

معرفی پنج رساله خفری در الهیات و اثبات واجب الوجود

نوشته فیروزه ساعتچیان

شمس‌الدین محمد بن احمد خفری که در این مقاله پنج اثر او را بررسی می‌کنیم، یکی از حکما و متفکران برجسته قرن دهم ق است. او به محقق خفری و فاضل خفری شهرت داشته است. از استادان مسلم او سید صدرالدین دشتکی شیرازی (متوفی ۹۰۳ ق) است. از دیگر استادانش اطلاع دقیقی در دست نیست.^۱ *رتال جامع علوم انسانی*

از وی بالغ بر بیست اثر در زمینه‌های مختلف فلسفه، کلام، منطق، هیئت، ریاضی، تفسیر، عرفان و نیز ابیاتی به جای مانده است.

شهرت او به خفری به سبب انتساب او به خفر از نواحی شیراز است. از تاریخ و محل تولدش گزارشی در دست نیست. در برخی منابع و تذکرها از فرزندش قوام‌الدین حسین بن شمس‌الدین

۱. شیخ عبدالنبی قزوینی، تمیم امل الآمل، ص ۶۵-۶۴؛ شیخ آقا بزرگ طهرانی، الذریعة، ج ۲۰، ص ۱۳۴؛ همو، طبقات اعلام الشيعة، ص ۶۴ و ۲۱۷؛ شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۲، ص ۲۳۴-۲۳۲؛ علی‌نقی منزوی، اعلام الشيعة، ص ۳۸۰؛ شیخ عباس قمی، الکنی و الالقاب، ج ۲، ص ۱۹۵.

محمد خفزی نام برده شده است^۲ که همانند پدر در علوم ریاضی و هیئت تبخّر داشته، و «رسالهٔ جعفریه» در حساب از آثار اوست.^۳

محقق خفزی تحصیلاتش را در شیراز به اتمام رساند و بعدها به کاشان هجرت کرد که البته تاریخ این هجرت مشخص نیست، هرچند برخی تذکره‌نویسان آن را در اواخر عمر وی دانسته‌اند، و آنچه به حسب گزارشها مسلم است این است که او تا پایان عمر در کاشان می‌زیسته و به تحقیق و تألیف و تدریس اشتغال داشته است. معروفترین شاگرد وی شاه طاهر بن رضی‌الدین بوده است.^۴ گفته‌اند که محقق خفزی از معتمدان محقق کرکی در کاشان بود تا آنجا که در غیاب وی نمایندهٔ دینی او در مراجعات مردم بوده است.^۵

در سال وفات وی اختلاف است و سه تاریخ ۹۳۵، ۹۴۲، ۹۵۷ ق گزارش شده است، اما براساس برخی قرائن وفات او در روز یکشنبه ۲۸ صفر ۹۴۲ محتمل‌تر می‌نماید.^۶

در این مقاله به بررسی پنج رسالهٔ محقق خفزی می‌پردازیم که در الهیات و اثبات واجب الوجود نگاشته شده‌اند. از آنجا که فهرست‌نویسان نسخ خطی بعضاً این رساله‌ها را با یکدیگر اشتباه کرده‌اند، این بررسی را بر نسخ این آثار مبتنی کرده‌ایم. همچنین سعی کرده‌ایم ترتیب تألیف آنها را برحسب شواهد و قرائن به دست آوریم.

عناوین این رسالات اجمالاً به شرح ذیل است:

- رساله فی اثبات واجب الوجود بالذات؛

- رساله فی الالهیات؛

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۲. افندی اصفهانی، ریاض العلماء، مجلد هفتم، قم، ۱۴۱۵ ق، ص ۸۸ و ۲۵۰.
۳. این اثر در برخی فهرس اشتباهاً به پدر وی نسبت داده شده و در برخی کتب از آثار مسلم خواجه نصیر شمرده شده است. محمدکریم اشراق، بزرگان چهارم، ص ۲۹۵.
۴. شیخ آقا بزرگ طهرانی، الذریعة، ج ۹، ص ۴۵۰، ۴۹۹؛ نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۲، ص ۲۳۴-۲۳۵؛ شیخ عباس قمی، الکنی و الالقاب، ج ۲، ص ۱۹۵.
۵. نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۲، ص ۲۳۳-۲۳۴.
۶. سید جلال‌الدین تهرانی در تاریخ وفات خفزی در گاهنامه چنین می‌نویسد: «... از تألیفاتش یکی کتاب «منتهی الادراک فی مدرک الافلاک» در هیئت است که یک نسخهٔ خطی از آن دارم که در آخرش تاریخ وفات وی را تعیین کرده، بدین ترتیب، تاریخ وفات شمس‌الدین محمدالخفزی، روز یکشنبه ۲۸ صفر ۹۴۲، قبرش در کاشان خارج درب عطاء، در حوالی مقبرهٔ مقصود بیگ در زمین خواجه مظفر مخدوم است». به نقل از: بزرگان چهارم، محمدکریم اشراق، ص ۲۷۵، گاهنامهٔ سال ۱۳۱۱، سید جلال تهرانی، ص ۱۶۳.

- رساله في مهيات مسائل الكلام من الالهيات،

- رساله في الالهيات (برای حسین خان مبارزالدولة در یک مقدمه، سه مقصد و یک خاتمه تألیف شده).

- رساله کوتاهی در اثبات واجب؛

- گفتاری کوتاه از محقق خفری به نام، تتمه کلام فاضل الخفری.

۱. رساله في إثبات واجب الوجود بالذات

این رساله طولانی ترین رساله خفری در اثبات واجب الوجود است که در اختیار داریم. در دیباچه آن نیز همین عنوان آمده است و این نشان می دهد که عنوان اثر را خود خفری برگزیده بوده است. خفری در این رساله مباحث را از حیث تألیف به گونه ای منظم و دقیق تقسیم بندی و فصل بندی نموده است. وی در مقدمه رساله می گوید: «من این رساله را در یک مقدمه و چند مقصد نگاشته ام»، ولی اشاره ای به «خاتمه» نمی کند. در حالیکه در اکثر نسخ موجود از این رساله، بخش چهارم تحت عنوان خاتمه معرفی شده است مانند نسخ موجود در آستان قدس رضوی به شماره های ۷، ۸، ۱۹، ۱۶۸۷، و نسخه دانشگاه تهران مرکزی ۱۷۶/۵. در برخی نسخ - مانند نسخه موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی ۱۷۳۳ - به عنوان «مقصد چهارم» آمده است.

از این رساله نسخ متعددی موجود است که از جمله آنها عبارت است از:

مرکزی دانشگاه تهران: ۱۰۷۴/۵؛ ۱۸/۱۰۳۰؛ ۱/۱/۲۴۰؛ ۵۴/۶۷۱۰؛ ۵/۴۱۷۶.

مجلس شورای اسلامی: ۱۷۵۹/۲؛ ۱۳/۱۸۴۲؛ ۱/۱۷۳۳؛ ۴/۱۸۰۶؛ ۱۷۶۰.

ملک: ۲۲۶۴ (به سال ۹۳۹ قدیمی ترین نسخه از این رساله که تاکنون بدان دست یافتیم)،

۲۶۱۴ (به سال ۹۵۳)؛ ۶/۱۶۲۱؛ ۶۹۱.

آستان قدس رضوی: ۷/۸؛ ۱۹/۵؛ ۲۳۱۸؛ ۵۹۵۰؛ ۴۵/۱۰۰۴۵.

سرزیدی: ۱۳۴۲/۳.

رساله با خطبه ای کوتاه آغاز می شود: (آستان قدس رضوی به شماره ۱۹، تاریخ کتابت ۹۴۶)

«الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على محمد سيد المرسلين وآله الطيبين

الطاهرين. اما بعد، فيقول احوج خلق الله إليه محمد الخفري هذه رساله "في إثبات

الواجب الوجود بالذات و صفاته" ... وهي مرتبة على مقدمة و مقاصد ...».

انجام رساله:

«... و هذا هو ما أريد زيادة إيضاحه. و أمّا مراتب هذا العلم التفصيليّة فهي أربعة على تفصيل المذكور، و ممّا كان مبحث العلم بجرّاً عميقاً لا ساحل له إقتصر على ما ذكره والحمد لله على إفضاله و الصلوة على محمد و آله... و تمت كتابته ... على يد العبد محمد حسن الطبسی ...».

مقدمه، چنانکه خود می‌گوید، در ذکر اصولی است که برای اثبات مطالب به آنها نیاز است و آن توجّه به معانی مختلف «وجود» و «وجوب» است.

مقصد اوّل: در ذکر اثبات واجب الوجود بالذات

برهان این مطلب در دو «مسلك» منحصر است:

۱. براهینی که متوقف بر ابطال دور و تسلسل نیست.

۲. براهینی که متوقف بر آنهاست. و لذا در دو فصل تنظیم شده است:

فصل اوّل در مسلك اوّل است و در آن طرق بسیاری است که از جمله آنها دوازده طریق است

که نویسنده به شرح آنها پرداخته است.

فصل دوم در مسلك دوم است که در آن تنها به طرح یک برهان می‌پردازد که بخشی از آن

متأثر از برهان طوسی در شرح تجرید است. در پایان این برهان می‌گوید: «برای ابطال ترتب امور

غیرمتناهی در حالی که مجتمع‌اند دلایل بسیاری موجود است که برای احتراز از اطناب از طرح

آنها خودداری می‌کنیم و به همان براهین مذکوره در اثبات واجب الوجود که مناسب عوام است

بسنده می‌کنیم. و اما برهان خواص و برهان خاص الخاص در این مختصر نمی‌گنجد».

مقصد دوم: در اثبات توحید باری تعالی است.

مقصد سوم: در علم حق تعالی است و در این مطلب دو مسلك است: یکی مسلك عوام و

دیگری مسلك خواص.

در مسلك عوام براهین بسیاری است که محقق خفزی نه برهان از آن براهین را ذکر می‌کند.

در مسلک دوم که مناسب خواص است یک برهان آورده است و سپس به مراتب علم حق تعالی (اجمالی و تفصیلی) می‌پردازد.

مقصد چهارم: در بیان مذاهب حکماست در تحقیق علم و تحقیق آنچه که حق است. مفصل‌ترین مبحث این رساله مقصد چهارم است که با ذکر اقوال و آراء فلاسفه یونان و برخی از فلاسفه اسلامی به نقد و بررسی آراء می‌پردازد. وی عباراتی از الملل و النحل شهرستانی در اقوال تالس الملطی، انکسیانس الملطی، انباز قلس، فیثاغورس، «شیخ یونانی»، فروریوس، افلاطون، ارسطو، حرانیون نقل می‌کند و نیز از کتب ارسطو و افلاطون بدون ذکر منبع، و همچنین عباراتی از فصوص الحکمه فارابی، تعلیقات و الشفاء ابن سینا التحصیل بهمنیار، فتوحات مکیه ابن عربی، حکمة الإشراف سهروردی و شرح اشارات خواجه نصیر نقل می‌کند، و به تحلیل و نقد و بررسی آنها می‌پردازد.

۲. رساله فی الالهیات

رساله مذکور تحت عنوان «اثبات واجب الوجود» در فهرست نسخ خطی کتابخانه مرکزی ج ۳/۱۲۶ به شماره ۹۲۶ (رساله هفتم دفتری است که اشتباهاً رساله هشتم معرفی شده) ثبت شده است، اما در دیباچه این رساله آمده است: «هذه رسالة فی الالهیات». از این رساله تاکنون نسخه دیگری نیافته‌ام. آغاز رساله:

«الحمد لله الفرد الذي لم يلد ولم يولد و الصلوة و السلام على المصطفى محمد و آله الكرام الأئمة. و بعد، فيقول الفقير إلى الله الغني محمد بن احمد الحفري، هذه رسالة في الإلهيات و قد رتبتها على عشرة مقاصد...».

انجام رساله «عبارات پایانی در صفحه اول):

«... إن و قوع الحوادث اليوميه على الترتيب الذي...».

این رساله در ده مقصد نوشته شده و احتمالاً اثری مبسوط بوده است ولی چون جز صفحه اول آن در دست نیست، نمی‌توان با قاطعیت اظهار نظر کرد. از صفحه دوم به بعد در نسخه مربوط به ادامه رساله اثبات واجب است که از آن سخن گفتیم.

عبارات آغازین صفحهٔ دوم از نسخهٔ موجود از حیث مفهوم ارتباطی با آخرین برهان در صفحهٔ اول ندارد. نگارنده زمانی که ادامهٔ این برهان را به‌طور کامل در رسالهٔ آیهٔ الکرسی محقق خفری^۷ به عنوان آخرین دلیل اثبات واجب‌الوجود در مطلب اول از مقصد اول مشاهده کرد، اطمینان یافت که در تنظیم نسخه، از سوی کاتب یا گردآورندهٔ نسخه، اشتباهی رخ داده است. و چون نوع خط در صفحهٔ اول این رساله در مقایسه با صفحات بعد آن یکسان است و از طرف دیگر موضوع بحث در صفحهٔ دوم (اثبات توحید واجب) با مبحث صفحهٔ اول تناسب دارد، فهرست‌نویس به اشتباه افتاده است. مرحوم محمدتقی دانش‌پژوه متوجه ناهماهنگی در صفحه‌های اول و دوم از حیث ارتباط مطلب نشده و لذا رساله را در فهرست نسخ خطی مرکزی چنین معرفی کرده است:

«این نسخه آن‌طور که در دیباچه آمده باید در ده مقصد باشد، ولی از خود نسخه که کامل می‌نماید پیداست که در سه مقصد بیش نیست. خفری در دیباچه نوید می‌دهد که ۴ دلیل برهانی و ۵ دلیل عرفانی بر اثبات خدا اقامه کند، ولی در رساله جز ۱۲ دلیل و آن هم به روش مشائی دیده نمی‌شود».^۸

به همین جهت از این رساله تنها ۱۲ برهان از ۱۹ برهان در اثبات واجب‌الوجود که در دیباچه وعده کرده در دسترس است که البته از برهان ۱۳ نیز چند کلمه‌ای نوشته شده و صفحه به پایان رسیده است.

دانش‌پژوه در مقدمهٔ تصحیح یکی از رسالات اثبات واجب خفری که در ادامهٔ مقاله معرفی خواهد شد، در توضیح رسالهٔ حاضر یادآور می‌شود که از مبحث اثبات توحید واجب که مقصد ثانی این رساله تلقی شده، همانند مباحث در اثبات واجب معروف است، و لذا خوانندگان را به نسخه‌ای از رسالهٔ معروف به شمارهٔ ۱۸/۱۰۳۰ (فهرست مرکزی) ارجاع داده است،^۹ اما اشاره‌ای به فقدان ۳ دلیل برهانی و ۵ دلیل عرفانی در مقصد اول نمی‌کند. و این بدان معنی است که وی متوجه

۷. تصحیح علی‌اوجی، گنجینهٔ بهارستان (علوم قرآنی و روایی)، به کوشش مهدی جهرمی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، زمستان ۱۳۸۰. تفسیر آیهٔ الکرسی از محقق خفری ص ۲۱۲-۱۸۵.

۸. محمدتقی دانش‌پژوه، (فهرست کتابخانهٔ اهدائی آقای سید محمد مشکوة)، فهرست مرکزی، ج ۳، تهران ۱۳۳۲، ص ۱۲۶.

۹. شمس‌الدین محمد خفری، «رساله فی اثبات الواجب» محمدتقی دانش‌پژوه، جاویدان خرد، تهران، پاییز ۱۳۵۴، ص ۴۲-۶.

مشابهت مباحث از مبحث توحید تا آخر رساله شده بوده، اما متوجه نشده بوده است که از صفحه دوم به بعد رساله ربطی به این رساله خفزی (فی الالهیات) ندارد.

نگارنده احتمال می‌دهد که این رساله را خفزی پس از نگارش رساله فی اثبات واجب الوجود (۱) نوشته باشد. زیرا رساله را با خطبه‌ای کوتاه آغاز می‌کند. سپس به معرفی خود و موضوع رساله (فی الالهیات) پرداخته و در پایان یادآور می‌شود که رساله در ده مقصد تنظیم و ترتیب یافته است و بلافاصله بدون مقدمه خاصی به ذکر دلایل اثبات واجب پرداخته است. در حالی که در رساله معروف اثبات واجب (۱) قبل از ورود به بحث در مقصد اول (اثبات واجب) شش اصل را در مقدمه یادآور می‌شود و بیان می‌دارد که ذکر این اصول برای اثبات مطالب ضروری است، به گونه‌ای که گاه در ضمن اقامه برهان طالبان را به آن اصول موضوعه شش گانه که حکم زیربنا برای براهین وی دارد، ارجاع می‌دهد. شاید بدین جهت است که نیازی به تکرار آن اصول در مقدمه این رساله ندیده است.

نکته دیگر آنکه این براهین عمدتاً به اختصار بیان شده که تفصیل آنها را خفزی خود بعضاً در تعلیفه بر الهیات شرح تجرید فوشجی یا در رساله معروف اثبات واجب الوجود یا ۱۲ برهان را به طور کامل (با اندکی تفاوت) و با همان ترتیب نگارش در رساله آیه الکرسی آورده است. چنین به نظر می‌رسد که خفزی تفصیل براهین را در آثار ابتدایی خود آورده و در آثار متأخر خود به اجمال بسنده کرده است.

چنانکه گذشت، صفحه اول این رساله مشتمل بر ۱۲ دلیل برهانی است که عمدتاً به اختصار بیان شده، اما بسیاری از این براهین در دیگر رسائل محقق خفزی به نحو مبسوط‌تری شرح شده است، از جمله براهین سوم و نهم که از طریق امکان وقوعی به اثبات واجب پرداخته در تعلیفه بر الهیات شرح تجرید فوشجی نیز آمده است. برهان ششم این رساله در رساله اثبات واجب معروف (۱) تحت برهان ناسع ذکر شده، و همچنین براهین چهارم و دهم در رساله الهیات (۴) بیان شده که برهان دهم در واقع از برهان طرف و وسط ابن‌سینا در شفاء اقتباس شده است. در برهانهای هفتم و هشتم مؤلف استدلال خویش را بر ابطال دور و تسلسل و ابطال ترجیح بلا مرجح مبتنی ساخته، و در برهان یازدهم که اشرافی- مشائی می‌نماید با ذکر آیه شریفه «اللّه نور السموات و الارض» (النور، ۳۵) آغاز و به اثبات وجود حضرت حق می‌پردازد و در برهان

دوازدهم با تمسک به آیه شریفه «أَفَى اللَّهِ شَكُّ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ» (ابراهیم، ۱۰) به علیّت حضرت حق بر اجرام متعیّنه (عدد، مقدار، وضع) در آسمانها و زمین پرداخته است.

۳. در بیان اهمّ مسائل کلامی در علم الهیات

نگارنده از این رساله تنها به یک نسخه به شمارهٔ ۵۹۲ (میکروفیلم ۱۲۵) در کتابخانهٔ آستان قدس رضوی تحت عنوان «اثبات واجب الوجود» دست یافته است. محقق خفزی آن را برای ابوالفتح سلغرشاه نگاشته است. تاریخ تألیف و کتابت آن معلوم نیست. در این دفتر علاوه بر آن رساله‌ای ناقص از محمد بن محمد قطب‌الدین رازی در یک برگ، در موضوع «دلالت لفظ» ضمیمه شده است. این نسخه را حاج عماد در تیر ماه ۱۳۱۰ و قف کتابخانهٔ آستان قدس کرده است.^{۱۰} آغاز:

«تبارک الله و سبحانه ما اعظم شأنه و أجلّ سلطانه هو قیوم الارض و السماء و له أعلى من المجد و الثناء و تزه و وجوده... أما بعد، فيقول الفقير إلى الله الغني محمد بن احمد بن محمد الخفزي هذه رسالة قد اوردت فيها تحقيق أحقّ ما يبلغ... و هي مهمّات مسائل الكلام من الهيات الهادية الى المعرفة المبدء الأول لجميع الموجودات... و أوضحت بالبراهين الساطعة أنّ الفلاسفة قد زنت أقدامهم في هذا المقام، فلم ينشرح صدورهم بنور الابتداء إلى ذلك المرام و لم يحيطوا علماء بشواهد... و اقصد محطّ رجال الأفضال و الأكابر أعلی حضرت المولى السلطان الأعظم واسطة عقد سلاطين العرب و انعم ملاذ اساطين الأعيان... و كيف تبلغ في الإعطاء الجنّة من دون همّة الدّنيا و ما فيها و هو اليوم مجمع الجرزت و منبع السّعادات... ابوالفتح سلغرشاه بن فخر السلطنة... توران شاه بن شمس فلک المعالی محمدشاه بن تهمتن بهادرخان وارث ملک قباد و سلیان، ملک العباد... ينظر اليها بعين القبول؛ فانه المأمول و المسئول و هي مرتبة على مقصدین...»

انجام:

«و إنّ تعالی عالم لذاته بذاته - سواء عشق للغير أو لم يعشق - و على كلمة العشق اختم الرسالة سائلاً من الله تعالی أن يجعلني من العارفين لکماله و العاشقين لکماله، ثمّ الحمد على نوانه و الصلوة على محمد و آله و تمّ.»

۱۰. فهرست کتابخانهٔ مرکزی آستان قدس رضوی، ج ۴، مشهد، چاپخانهٔ طوس، اسفند ۱۳۲۵، ص ۴۵.

چنان‌که گذشت، محقق خفری در خطبه رساله متذکر می‌شود که وی در صدد بیان مهم‌ترین مسائل علم کلام از اھیات است، مسائلی که ما را به شناخت مبدأ اول جمیع موجودات و بیان صفات کمال و جمال او رهنمون می‌کند.

وی براهین قاطع و محکمی نیز بر اثبات احاطه علم حق تعالی به جمیع ممکنات اعم از کلی و جزئی، محسوس و معقول اقامه و به خطای فلاسفه در این مقاله اشاره می‌کند. او در ادامه خطبه به تفصیل به مدح و ثنای ابوالفتح سلغرشاه می‌پردازد و در پایان می‌گوید من این رساله را در دو مقصد تنظیم کرده‌ام.

مؤلف در این رساله سعی کرده است که گاه بر طریق مشائی و گاه با تلفیق فلسفه و عرفان به اقامه براهین بپردازد، و برای این منظور از بسیاری آیات کریمه و نیز احادیث مدد جستته و به تحلیل و بررسی آنها پرداخته است. پیوند نجوم بظلمیوسی با متافیزیک یک خفری در این اثر محسوس است. این پیوند به گونه‌ای دیگر در مبحث علم در رساله اثبات واجب معروف (۱) وی نیز قابل مشاهده است. در مقصد اول دلایل وجود حق تعالی، توحید حق و نیز اشارتی به مراتب آن دارد، اما قبل از هر چیز موجود را از حیث عقلی به دو قسم واجب و ممکن تقسیم می‌کند و در پی آن چهار برهان در اثبات وجود واجب اقامه می‌کند.

در برهان اول که آن را برهان «لطیف» و «خفیف» می‌نامد، اثبات می‌کند که تحقق ممکن بدون واجب‌الوجود ممکن نیست.

در برهان دوم که مبتنی بر ابطال دور و تسلسل است و از طریق علت و معلول. این برهان برگرفته از برهان وسط و طرف ابن سینا در شفاست لکن با بیانی دیگر. محقق خفری در پی بیان برهان مذکور، برهان ابن سینا در شفاء را نیز به‌طور کامل نقل می‌کند.

در براهین سوم و چهارم نیز، از طریق محذور خلف و امتناع ترجیح بلا مرجح در تحقق ممکن، وجود واجب را اثبات می‌کند و در پایان براهین می‌گوید: بر این مطلب براهین دیگری وجود دارد که آنها را در رساله‌ای خاص «اثبات مبدأ اول» توضیح داده‌ام و معلوم نیست که به چه رساله‌ای اشاره می‌کند.

پس از اثبات وجود واجب به بحث درباره توحید واجب تعالی می‌پردازد و سه برهان بر آن اقامه می‌کند. در برهان اول با سه بیان مختلف از طریق اثبات وحدت و عینیت وجود واجب، با

ذات و هویتش، توحید حق را اثبات می‌کند. برهان دوم را از ابن‌سینا در شفا اقتباس کرده است. و در برهان سوم توحید حق را از طریق عدم امتناع اشتراک دو موجود در وجوب وجود، اثبات و در نهایت نتیجه می‌گیرد: «جز خداوند قیوم موجودی نیست، او فاقد ماهیت کلی است، نه جوهر و نه عرض است، و نیز فاقد جزء، حد، بُعد و جهت است، لذا قابل اشاره به اشاره عقلیه هم نیست. او موجودی قائم بذات است که علتی از برایش نیست، پس برهانی هم بر او نیست، بلکه او خود برهان و دلیل هر چیزی است و بر این دلایل قاطع و روشنی وجود دارد».

در مرحله بعد به نحوه صدور موجودات از حضرت حق می‌پردازد و می‌گوید: «در نزد حکماء نحوه صدور موجودات از حضرت حق با کثرتی که دارند به عوالم چهارگانه - عالم عقول، عالم نفوس، عالم مُثُل و عالم ملک - باز می‌گردد».

عالم مُلک شامل آسمانها، زمین و عرش و کرسی است، عرش محیط به عالم کرسی و عالم کرسی محیط به آسمانها و محاط در عرش است.

در این بخش توضیحات خود را از عالم مُلک آغاز می‌کند و به عالم عقول خاتمه می‌دهد. عالم عقول را هم بر مسلک مشائین تصویر می‌کند و در ادامه بیانات خود به آیاتی چند از قرآن مجید تمسک جسته و صفاتی چند از حق تعالی را اثبات می‌کند. از جمله وی آیات «آیه الکرسی» را نقل و به اجمال آنها را شرح و تفسیر می‌کند. گفتنی است که در این رساله هر جا نیاز به توضیحات بیشتری دیده خوانندگان را به آثار دیگر خود ارجاع داده است ولی در تفسیر آیه الکرسی اشاره‌ای به اثر مستقل خود «رساله فی تفسیر آیه الکرسی» نمی‌کند در حالی که در آنجا با شرح تفصیل بیشتری بیان کرده و گاه به گونه‌ای دیگر شرح داده است. از این رو می‌توان احتمال داد که این اثر را بعدها نوشته باشد.

در مقصد ثانی به بحث درباره احاطه و نحوه تعلق علم حق تعالی به موجودات و به بیانی دیگر بر عوالم چهارگانه پرداخته است. در این بخش ارتباط عوالم چهارگانه با یکدیگر نیز تبیین شده است. در ادامه بحث به مناسبت از حکمة الاشراف سهروردی و نیز از التحریر النسب الصمیة اقلیدس مطالبی نقل می‌کند.

باید گفت سبک و شیوه محقق خفزی در نگارش، تنظیم و تدوین مباحث و براهین این رساله با دیگر رساله‌هایش در اثبات واجب اندکی متفاوت است.

۴. رساله في الالهيات (برای حسین خان مبارزالدولة)

این اثر در فهرستهای نسخ خطی تحت دو عنوان «الالهيات» و «اثبات واجب الوجود» و بیشتر تحت عنوان اثبات واجب الوجود، معرفی شده است از جمله نسخ آن عبارت است از:

۱. فهرست مرکزی، ج ۳، ص ۱۲۵، به شماره ۹۲۶/۶ (ص ۱۱۸-۱۱۳)، در فهرست مرکزی اشتباهاً ۹۲۶/۷ ثبت شده است؛

۲. همان: ۱۲: ۲۸۸۸ به شماره ۳۹۰۱/۲ (ص ۷-۲)؛

۳. فهرست مجلس، ۹/۲: ص ۵۱۸ به شماره ۱۸۴۲/۱۲ (ص ۲۱۷ تا ۲۲۵)؛

۴. فهرست خطی کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ج ۱۴، ص ۲۷۹، به شماره ۵۰۸۵/۳ (ص ۱۸۴-۱۶۷)؛

۵. نشریه، دفتر ۴، ص ۴۳۰، به شماره ۱۳۴۲/۳ (کتابخانه سریزدی، تحت عنوان الالهيات معرفی شده).
آغاز رساله (مرکزی، ج ۳، ص ۱۲۵)

«الحمد لله الذي كان ولا زمان ولا مكان، فأوجد الخلاق بقدرته وأظهر الحقائق بحكمته وجعل الممكنات مرآتاً لذاته و صير الموجودات مظاهر صفاته. أمّا بعد، فيقول الفقير إلى الله الغني محمد الخفري هذه رسالة في الالهيات قد ألفتها لخدمة حضرة من أيدّه الله... حسين خان خلد الله تعالى... وجعلتها مشتملة على مقدّمة و ثلثة مقاصد و خاتمه، المقدمة في أصول الموضوعه و هي عشرة».

انجام رساله:

«هذا معنى قول فيثاغورس: انّ الباري عالم بجميع المعلومات على طريق الاحاطة بالاسباب التي هي الأعداد و المقادير، و هي لا يختلف فعلمه تعالى، و أراد بالأعداد العقول و النفوس و بالمقادير الافلاك و الكواكب و حركاتها الطولية و العرضية، تمت الرسالة بعون الله الوهاب و إليه المرجع و المآب».

بخشهایی از این رساله را آقای غلامرضا نمایی در نشریه خراسان تحت عنوان «رساله الهیات» به فارسی ترجمه کرده است.^{۱۱} چهار دلیل در مقصد اول و نیز مباحث در بخش خاتمه رساله (قول فلاسفه یونان) ترجمه نشده است.

۱۱. نشریه فرهنگ خراسان، سال پنجم، ش ۳، ص ۴، ۵۰-۶۰، به نقل از علوم مأخذشناسی علوم عقلی (منابع چاپی)، محسن کدیور و محمد نوری، جلد اول، ۱۳۷۸. (نسخه‌ای از این نشریه در کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران موجود است).

محقق خفری در این رساله براهین را به صورت موجز و مختصر اقامه می‌کند، و از آنجا که رساله حاضر مشابهت‌های بسیار به رسالهٔ معروف اثبات واجب وی دارد، به ذکر وجوه تشابه و تمایز این دو رساله می‌پردازیم.

از جمله وجوه تمایز این است که در مقدمهٔ رسالهٔ اخیر الذکر ده اصل به عنوان اصول موضوعه برای ورود به بحث مطرح شده، ولی در رسالهٔ معروف تنها شش اصل ذکر شده که از میان آنها چهار اصل این رساله به اختصار یا به شیوهٔ دیگری بیان شده است. از دیگر وجوه تمایز این است که محقق خفری در مقصد اول این رساله، که در ذکر دلایل وجود واجب الوجود است، می‌گوید: آنچه از دلایل نزد من ثابت شده بسیار است، و در مجموع بیست برهان اقامه می‌کند، شانزده برهان آن به اختصار و چهار برهان آخر، که به نظر می‌رسد در نزد مصنف از اهمیت خاصی برخوردار بوده است، به تفصیل بیان شده است. اما در رسالهٔ معروف واجب الوجود به طرح ۱۳ برهان پرداخته شده است. بسیاری از براهین این رساله، با بیانی دیگر در رسالهٔ معروف اثبات واجب (۱) و یا رسالهٔ ناقص فی الالهیات (که در شمارهٔ ۲ توضیحش گذشت) و یا در تعلیقهٔ خفری بر شرح الهیات تجرید آمده است.

از وجوه تشابه دو رساله این است که در مقصد دوم هر دو - که دربارهٔ توحید حق تعالی است - ده برهان اقامه شده که بسیاری از براهین در رسالهٔ حاضر مشابه یا خلاصهٔ براهین در رسالهٔ معروف است.

و اما در مقصد سوم و خاتمهٔ رساله - که در علم حضرت حق و باقی صفات او و نیز اقوال فلاسفه یونان و اسلامی است - بیش از نود درصد مطالب در این رساله عیناً در رسالهٔ معروف اثبات واجب آمده است با این تفاوت که در آنجا این مبحث (علم) قسمت اعظم رساله را تشکیل می‌دهد، ولی در رسالهٔ حاضر تنها بخش کوچکی از آن مطالب ذکر شده است. رساله به گونه‌ای خاتمه یافته که گویی مؤلف در اتمام آن تعجیل داشته، زیرا رساله بدون نتیجه‌گیری خاص و بدون ذکر کلمات و اختتامیه به پایان می‌رسد.

خفری در این رساله از میان آثارش تنها به حاشیهٔ خود بر شرح جدید تجرید و آن هم در مقدمهٔ این رساله اشاره می‌کند. و نسخی که از این رساله در دست است یکی احتمالاً مربوط به قرن یازدهم و باقی بدون تاریخ است، اما در میان نسخ موجود از رسالهٔ معروف اثبات واجب در حال

حاضر نسخه‌ای، مورخ ۹۳۹ و به شماره ۲۲۴۶ در کتابخانه ملک موجود است، و این نسخه، در میان بسیاری از نسخ بررسی شده، اقدم نسخ محسوب می‌شود. احتمال می‌رود که مؤلف رساله حاضر را بعد از رساله معروف تألیف کرده باشد.

۵. رساله کوتاهی در اثبات واجب

دانش‌پژوه این رساله را براساس دو نسخه در مجله جاویدان خرد (پاییز ۱۳۵۴) تصحیح کرده است.^{۱۲}

یکی در کتابخانه مرکزی، به شماره ۱۰۳۸/۵ (برگ ۴۱ پ) مورخ ۱۰۵۶ (فهرست، ج ۳، ص ۸-۱۲۷)، و دیگری در دانشکده الهیات دانشگاه تهران به شماره ۲۷۲/۲ و (۴۶ پ-۴۷ پ) از سده دهم، این تصحیح البته بدون سازواره انتقادی است. در این رساله کوتاه از سه قاعده فلسفی در شش بند، به دو روش مشائی و اشراقی بحث شده و در پایان برخی از بندها آیاتی از قرآن کریم آمده است که در آنها اشارت به تفسیر آنها به همین روشها شده است.

روش مشائی تحت عنوان «لحظه» که نگاهی زودگذر است، و روش اشراقی تحت عنوان «لمعة» تعیین شده است که به معنی پرتو و روشنائی است. این لحات و لمعات، چنانکه دانش‌پژوه گفته است، در مجموع بیان‌کننده سه اصل فلسفی است:

اثبات واجب یا نور الانوار؛ توحید وجود صرف یا نور قهار؛ احدیت و بساطت وجود و نور.

۶. تتمه کلام فاضل الخفری

این رساله کوتاه در فهرست نسخ خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ۳: ۵۱۷، تحت عنوان رساله «وحدة الوجود»^{۱۳} یادشده و به شماره ۱۰۷۴/۲ (گ: ۱۲۲ پ-۱۲۳ پ) در آن کتابخانه موجود است. از آن دو نسخه دیگر نیز در آستان قدس رضوی هست، در نسخه شماره ۱۹ در پی اثبات واجب الوجود معروف، این رساله کوتاه ضمیمه شده که فهرست‌نویس آن را چنین معرفی کرده است: «به ضمیمه‌ای در بیان کلام صوفیه درباره واجب الوجود». و در مجموعه شماره ۸ نیز که مشتمل بر سه رساله از محقق خفری است، آخرین رساله، همین رساله کوتاه بدون عنوان خاص

۱۲. «رساله فی اثبات الواجب» از محقق خفری، دانش‌پژوه، جاویدان خرد، پاییز ۱۳۵۴، ص ۴۴-۵.

۱۳. شماره میکروفیلم ۷۵۸۷.

(۱۳۷-۱۳۹) است، در صفحه اول این مجموعه برگه ای ضمیمه شده و در آن شخصی هر سه رساله این مجموعه را معرفی کرده، و این اثر را به «محمد بن احمد حنفی» نسبت داده است.^{۱۴} از بررسی این رساله کوتاه چنین برمی آید که شخصی ظاهراً گفتار محقق خفزی در کلام صوفیه را، یا از یکی از رسالات مستقل وی یا از حواشی او برگزیده و به صورت نقل قول مستقیم گزارش کرده است، سپس کاتب پس از نقل حرف پنجم صوفیه می گوید: «قال المصنف رُوح اللّٰه روحه لزيادة تفصيل في الحرف الخامس، أقول: كان اللّٰه ولم يكن معه شيء...»، به توضیحات تکمیلی در حرف پنجم می پردازد و این توضیحات را از دیگر آثار محقق خفزی اقتباس و نقل می کند. با بررسیهایی که درباره هشت اثر از آثار کلامی - فلسفی - عرفانی وی انجام داده ام، به نظر می رسد که مطالب برگرفته از آثار مختلف مانند رساله آیه الکرسی و نیز رساله های او در اثبات واجب الوجود باشد که به صورت نقل به مضمون ذکر شده است. ظاهراً شخصی بعدها مطالب آن را از میان آثار خفزی برگرفته است. این رساله چنین آغاز می شود: «أقول: مدار کلام صوفیه علی خمسة احرف...» و چنین پایان می یابد: «فهذا حکم امکانات بالنسبة الى الوجود الحقیقی و اللّٰه اعلم بالصواب و إلیه المرجع و المآب».

این رساله در مقام بیان اثبات وجود واجب الوجود نیست، بلکه در چهار «حرف» اول در مقام بیان وجود و موجود حقیقی است و اینکه اصل و اصالت با وجود حقیقی است، و در «حرف» پنجم از علم حضرت حق و چگونگی آن به ایجاز سخن رفته است و به همین جهت است که دانش پژوه اثر حاضر را رساله «وحدة الوجود» نامیده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

۱۴. فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، ج اول، مشهد ۱۳۶۵، ص ۳۲ و ۱۱۶.